

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دانشکده : ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی : زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

تحلیل ساختاری و محتوایی طنز در آثار علامه دهخدا

استاد راهنما :

دکتر علی عسکری

گروه ادبیات و زبان فارسی  
شماره ۱۳۸۸/۱۲/۱۶

استاد مشاور :

دکتر مهدی خادمی کولایی ۱۳۸۸/۱۲/۱۶

نگارش :

کلثوم یوسفی

مهر ۱۳۸۸

## «تصویب نامه پایان نامه»

نام و نام خانوادگی: خانم کلثوم یوسفی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

مرکز: ساری

عنوان پایان نامه: بررسی طنز در آثار دهخدا

تاریخ دفاع: ۸۸/۷/۱۸

نمره: ۱۸/۵ هجری دوم

درجه ارزشیابی: عالی

### اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی

۱- آقای دکتر علی عسکری

۲- آقای دکتر مهدی خادمی کولایی

۳- آقای دکتر حسین فامیلیان

۴- آقای دکتر مهدی خادمی کولایی

هیأت داوران

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور

نماینده گروه آموزشی

مرتبہ علمی

استادیار (مرکز بهشهر)

استادیار (مرکز ساری)

استادیار (مرکز محمودآباد)

استادیار (مرکز ساری)

امضا



بررسی طرز زندگی

دعا

تقدیم به پیشگاه علامه علی اکبر دهخدا

... اما من ترا می سرایم

برای بعدها می سرایم

چهره ی ترا و لطف ترا

کمال پختگی معرفت را

و اندوهی را که در ژرفای شاد خوبی تو بود

گارسیا لورکا .

و تقدیم به :

زیباترین واژه های حیات ، پدر و مادرم ، همسر مهربان و گل های

زندگی ام ، مهدی و فاطمه که صبر و لطفشان یاری گر من بود و

کامیابی آنان آرزوی من است .

## تقدیر و تشکر

مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا  
هر که به من کلمه ای بیاموزد همانا مرا بنده ی خود قرار داده است .

« حضرت علی علیه السلام »

از جناب آقای دکتر عسکری و جناب آقای دکتر خادمی که از چشمه  
سار زلال دانششان در طول تحصیل بهره بردم بی نهایت سپاس گزارم .  
سعادت و سربلندی آنها را از خداوند بزرگ خواهانم .

## چکیده :

نگارنده در این پژوهش کوشیده است به بررسی پیشینه ی شوخ طبعی و انواع آن در ادبیات فارسی ، ظهور مشروطه ، طنز پس از مشروطه ، زندگی نامه و آثار علامه دهخدا به طور عام و به تحلیل آثار این استاد بزرگ در حوزه ی طنز به طور خاص بپردازد . پژوهش حاضر شامل پنج فصل می باشد .

در فصل اول ضمن بیان مقدمه ، به موضوع تحقیق با عنوان «تحلیل ساختار و محتوایی طنز در آثار دهخدا» و با هدف شناسایی موضوعات طنز دهخدا پرداخته شده که بر اساس پژوهش کتابخانه ای ، فیش برداری و توصیف و تحلیل داده ها بوده است .

در فصل دوم علاوه بر بیان پیشینه ی شوخ طبعی ، که ورود آن را به عرصه ی ادبیات ، به صورت هجو در سال های آغازین حکومت اسلامی دانسته اند ؛ به بیان انواع اسلوب های شوخ طبعی از جمله : هزل ، هجو ، طنز ، بذله و فکاهه پرداخته شده که از میان آن ها طنز در نشان دادن زشتی ها و بی رسمی های جامعه و پا گرفتن خوبی ها و حق و عدالت بسیار مؤثرتر و ظریف تر عمل کرده است

در فصل سوم به مطالبی از قبیل : حکومت مشروطه ، مشخص ترین ویژگی های طنز مشروطه اعم از : سیاسی بودن ، مردم گرایی ، ایستادگی در برابر ظلم و زور و بیداری مردم ، زندگی نامه و آثار علامه دهخدا ، سبک و قالب شعری او ، طبقات مطرح در طنز دهخدا از جمله : روحانیون ، توده ی مردم ، اهل فضل و سیاسیون ، مضامین طنز او اعم از : دادخواهی ، وطن پرستی ، مبارزه علیه خائنان ، رسوا کردن جبّاران و تازگی کار دهخدا که بر پایه ی ساده نویسی و استفاده از زبان عامیانه استوار بود ، سخن به میان آمده است .

در فصل چهارم که قسمت عمده ی پژوهش ماست ، پس از گذری بر اشعار طنز آلود دهخدا و مقالات چرند و پرند ، به تحلیل ساختار و محتوایی آن ها پرداخته شده است .

فصل پنجم شامل نتیجه ی کلی پژوهش بر اساس دست آورد هایی از منابع پژوهشی از جمله ظهور شوخ طبعی در ادبیات به صورت هجو ، انواع شوخ طبعی ، ماهیت طنز ، طنز مشروطه ، حضور دخیوی نابغه و استفاده او از زبان تلخ و گزنده ی طنز در جهت بیان و اصلاح مفاسد جامعه ، موضوعات طنز دهخدا در امثال و حکم ، چرند پرند و اشعار طنز آلودش می باشد .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اوّل : کلیّات
۳	۱-۱ مقدمه
۴	۲-۱ تعریف مسأله و سؤال های تحقیق
۴	۳-۱ سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۴	۴-۱ هدف های تحقیق
۵	۵-۱ فرضیه های تحقیق
۵	۶-۱ روش تحقیق و تجزیه و تحلیل آن
	فصل دوّم : پیشینه ی شوخ طبعی و گونه های آن
۷	۱-۲ پیشینه ی شوخ طبعی
۱۳	۲-۲ گونه های شوخ طبعی
۱۴	۳-۲ هجو
۱۷	۴-۲ هزل
۱۸	۵-۲ فکاهه
۱۹	۶-۲ بذله / لطیفه
۲۰	۷-۲ طنز
۲۱	۵-۲ درونمایه های طنز
۲۲	۶-۲ علل خنده در طنز
۲۴	۷-۲ صنایع بدیعی در طنز
۲۷	۸-۲ انواع قالب های ادبی در طنز
۳۰	۹-۲ طنز و انتقاد به جد



فصل سوم : مشروطه و ظهور دخوی نابغه

- ۳۲ ۱-۳-۱ تعریف مشروطه
- ۳۶ ۳-۱-۲ طنز پس از مشروطیت
- ۳۹ ۳-۱-۳ جنبه های نو طرازی و تازگی شعر مشروطه
- ۴۰ ۳-۱-۴ طنز مطبوعاتی پس از انقلاب
- ۴۱ ۳-۲-۱ مشخصات طنز مطبوعاتی پس از انقلاب
- ۴۷ ۳-۲-۲ زندگی نامه علامه دهخدا
- ۴۹ ۳-۲-۳ آثار و تألیفات علامه دهخدا
- ۵۳ ۳-۲-۴ دهخدای شاعر
- ۵۴ ۳-۲-۵ قالب اشعار دهخدا
- ۵۵ ۳-۲-۶ مضامین اشعار دهخدا
- ۵۵ ۳-۲-۷ سبک اشعار دهخدا
- ۵۶ ۳-۲-۸ طبقات مطرح در طنز دهخدا
- ۶۰ ۳-۲-۹ گونه های شوخ طبعی در طنز دهخدا
- ۶۱ ۳-۲-۱۰ تازگی های طنز دهخدا در مقایسه با دیگر طنز پردازان

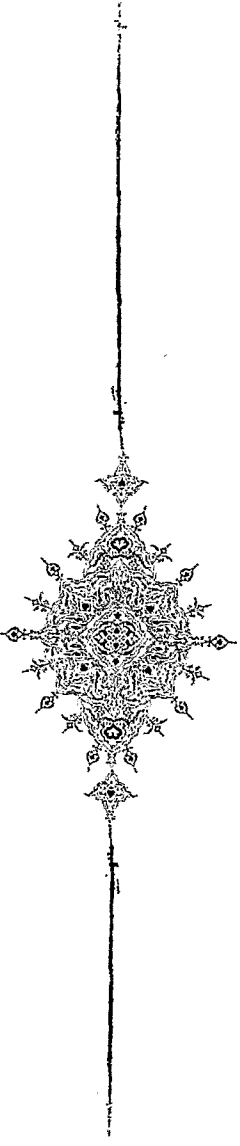
فصل چهارم : تحلیل ساختاری و محتوایی آثار طنز آلود علامه دهخدا

- ۶۷ ۴-۱-۱ آثار منظوم طنز آلود دهخدا
- ۶۷ ۴-۱-۲ گذری بر اشعار طنز آلود دهخدا
- ۶۸ ۴-۱-۳ تحلیل اشعار طنز آلود دهخدا
- ۶۸ ۴-۱-۴ در چنگ دزدان
- ۷۱ ۴-۱-۶ ان شاء الله گریه است .

۷۶	۴-۱-۷ آکبلای
۷۷	۴-۱-۸ رؤسا و ملت
۷۸	۴-۱-۹ وصف الحال لوطیانه
۷۹	۴-۱-۱۰ خیز و خرخر کشد به چشم و ببین .
۸۱	۴-۱-۱۱ آب دندان بک
۸۲	۴-۲-۱ آثار مشهور طنز آلود علامه دهخدا
۸۳	۴-۲-۲ چرند و پرند اثر ماندگار دهخدا
۹۲	۴-۲-۳ گذری بر مقالات چرند و پرند دهخدا
۹۸	۴-۲-۴ تحلیل چند نمونه از مقالات چرند و پرند
۹۸	۴-۲-۵ متن و تحلیل مکتوب شهری و پاسخ آن
۱۰۳	۴-۲-۶ متن و تحلیل مکتوب محرمانه
۱۰۵	۴-۲-۷ متن و تحلیل مکتوب شهری شماره ی پنجم
۱۰۹	۴-۲-۸ متن و تحلیل مقاله ی شماره ی بیست و هشت (قندرون)
۱۱۲	۴-۲-۹ متن و تحلیل مقاله ی شماره ی سی
۱۱۴	۴-۲-۱۰ امثال و حکم
۱۱۷	۴-۲-۱۱ نمونه هایی از امثال و حکم طنز آلود
۱۲۲	فصل پنجم : نتیجه گیری
۱۲۶	منابع و مأخذ

# فصل اوّل :

## کلیّات



## مقدمه

طنز نه هجو است و نه هزل و فکاهه ؛ بلکه سخنی است که هدف اصلی در آن انتقاد است .  
طنز ، همواره خواهان نوعی همکاری اجتماعی و رعایت مساوات و عدالت است. در ادبیات ما ، طنزپرداز به دنبال بر ملا کردن حقیقت است .

بنای طنز برخنده و شوخی است ؛ اما این خنده ، خنده ی شوخی و شادمانی نیست .  
خنده ی تلخی است که همراه با سرزنش است که با ایجاد ترس و بیم ، خطاکاران را به خطای خود متوجه می سازد و معایبی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است برطرف می کند .

قلم طنز نویس با هر چه که مرده و کهنه و واپس مانده است و با هر چه که زندگی را از ترقی و پیشرفت باز می دارد ، بی گذشت و اغماض مبارزه می کند .

هدف پژوهش حاضر ، کند و کاوی موشکافانه در موضوع رخداد نهضت مشروطه و برآیند آن ؛ یعنی ، ظهور رادمرد سترگ عرصه ی طنز ، علامه علی اکبر دهخدا ، به جهت اعتبارش در ایجاد شور و غوغا در جماعت مظلوم و روشن فکران و میهن پرستان و اختصاصات آثار او به ویژه تحلیل ساختار آثار طنز آلودش و تأثیر بی چون و چرای این پیشرو آزادی خواهی در پیدایش ادبیات نوین ایران بوده است.

روش تحقیق بر شیوه ی کتابخانه ای استوار بوده که با شناسایی متون مربوطه ، دسته بندی آن ها و برداشت هفتصد فیش به توصیف و تحلیل داده ها پرداخته شده است .

نتایج به دست آمده از این پژوهش را می توان به اختصار ، چنین بیان نمود :

اساس طنز و خاستگاه آن اساساً ایرانی بوده که به دلیل تسامح و تساهل محققین ، عربی پنداشته شده است . با شکل گیری نهضت مشروطه و ورود ادبیات به میان مردم ، ادبیات به بیانی تازه دست یافت که قادر به بیان الزامات عصر مشروطه بودند . در این میان پیشگامی علامه علی اکبر دهخدا در ساده نویسی و استفاده از زبان عامیانه در طنز بسیار چشم گیر است . عمده ی موضوعات مطرح شده در طنز دهخدا عبارتند از :

۱- مبارزه با خرافه پرستی و جهل

۲- افشای ظلم و استبداد و دادخواهی مظلومان

۳- بیداری و آگاهی توده ی مردم

## تعریف مسأله و سوال های تحقیق

طنز در جامه ی رمز و کنایه و با رعایت جنبه های هنری و زیبایی شناختی به قصد اصلاح مفاسد اجتماعی و تهذیب اخلاق انسانی به کار گرفته می شود . در برخی ادوار این موضوع پررنگ تر است . از جمله این دوره ها می توان به دوره مشروطه اشاره کرد که مورد بحث و تحقیق ماست .

سوال های تحقیق ما در این رساله عبارتند از :

- ۱- کدام یک از آثار دهخدا طنز آمیز است ؟
- ۲- دهخدا از چه شیوه هایی برای طنز پردازی بهره گرفته است؟
- ۳- دهخدا از طنز به چه منظوری در آثار خود بهره برده است ؟
- ۴- آیا در طنز های دهخدا موضوع زن نیز مدنظر بوده است یا خیر ؟
- ۵- بیشترین موضوعات طنز دهخدا متوجه چه مسائلی است ؟

## سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در مورد سابقه و ضرورت انجام تحقیق باید یادآور شد ؛ با مطالعاتی که انجام شد تحقیقی جامع و مستقل در این زمینه نیافتم و از آنجا که دهخدا برجسته ترین طنزپرداز اجتماعی معاصر است ضرورت پرداختن به آثار او از جمله : چرندوپرند و امثال و حکم و تعداد معدودی از اشعارش احساس می شود .

## هدف های تحقیق

با عنایت به این که در عصر ما ، طنز یک گونه ی ادبی است که به شکل های مختلف برای ترسیم مسائل سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و غیره از آن استفاده می شود و همچنین با توجه به نزدیکی انقلاب مشروطه به زمان ما و تأثیر بلافصل آن در روند حیات ادبی ، فرهنگی و اجتماعی قرن اخیر، بر آن شدیم تا با تحلیل ماهیت طنز در این دوره ، پیشینه و انواع آن و بررسی این گونه ی ادبی در آثار دهخدا به تأثیر اجتناب ناپذیر پدیده های تاریخی در تکامل ادبی پی ببریم .

## فرضیه ها

- ۱- طنز در چرند و پرند دهخدا بیش از سایر آثارش مشهود است .
- ۲- دهخدا در طنز پردازی از شیوه های طرح تضاد ، توصیف ، داستان، زبان عامیانه و تک گویی راوی و بدل بهره برده است.
- ۳- دهخدا در اشعار طنزآلودش مسائل سیاسی ، مبارزه با پیداد و تجاوز ، وطن دوستی ، اسارت زنان و ... را مطرح کرده است .
- ۴- از بین اشعار دهخدا مثنوی های «در چنگ دزدان» ، « انشاءالله گربه است» ، مسمط « رؤسا و ملت» و « آکبالی» طنزآلودتر است.
- ۵- دهخدا از طنز به منظور انتقاد اجتماعی و سیاسی بهره برده است.

## روش انجام تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن

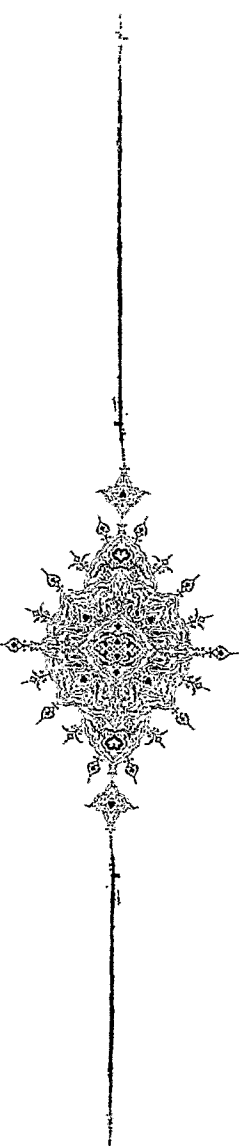
روش انجام تحقیق روش نظری و بر اساس پژوهش کتابخانه ای استوار بوده و ابزار گردآوری اطلاعات مطالعه و فیش برداری و روش تجزیه و تحلیل آن توصیف و تحلیل داده ها بوده است.

# فصل دوّم :

پیشینه ی شوخ طبعی

و

گونه های آن



## پیشینه ی گونه های شوخ طبعی

در تمامی بررسی های مربوط به تاریخ و پیشینه ی طنز و طنز سرایی یا تمامی گونه ها و اسلوب های شوخ طبعی در ایران محققین محترم ، مبدأ آن را به شعرای دوزبانه ی عربی - فارسی نسبت داده اند ، که آن را از ادبیات عرب گرفته و به شعر فارسی وارد نموده اند .

« در سال های آغازین حکومت اسلامی ، شوخ طبعی به صورت هجو ظاهر شد . پیش از آن تاریخ ، سابقه ای روشن از اثر ادبی هجو (هزل یا طنز) در دست نیست و صاحب نظران ، سرودن شعر هجایی در ادبیات فارسی را نتیجه ی ارتباط با اعراب ، پس از آمدن اسلام به ایران می دانند .

هجو در شعر عرب جاهلی ، یک سنت رایج بوده که شعرا به مدد آن به کسب تشخص و منزلت و پیروزی بر خصم می پرداخته اند . در زندگی قبیله ای پیش از اسلام ، شاعران ، خداوندان حکمت و خرد مندی فوق طبیعی ، تلقی می شده اند که با ارواح ، پیوند دارند و در مناسبات نظام قبیله ای ، رجز و مفاخره در هنگامه ی جنگ و نبرد و در عرصه ی برخورد های شخصی و دودمانی ، وسیله ای برای تضعیف دشمن ، زدایش ترس و تسلی بخش بوده است .

با ظهور اسلام ، این بخش از انواع ادبی ، رنگ هجو مشرکان و ملحدان و تقویت روحیه ی مسلمین را به خود گرفت . در دوره ی امویان و عباسیان تداوم یافت . سپس به وسیله ی برخی از شاعران دوزبانه ، به شعر فارسی نیز راه پیدا کرد و در برخورد با فرهنگ ایرانیان از فرهنگ باستانی عامیانه ، قصه های منسوب به دلک ها ، مسخره ها و عقلای مجانبین بهره جست و قوام یافت . ولی فضای غالب آن ، طرح و دشنام های رکیک و فحش و تسویه حساب های فردی و خانوادگی در قالب شعر بود و از همان آغاز برای خدمت به ارباب قدرت ، و ترغیب ممدوحان به اعطای صله و پاداش و ترغیب توانگران بی عنایت به ندادن پاداش ، به کار رفت » (صدر، ۱۳۸۱: ۱۲) .

« در دوره ی غزنویان ، دشنام های زشت در بیشتر هجوهای رکیک ، رواج یافت . این امر در دوره ی سلجوقیان به علل فراوانی از جمله نابسامانی های اجتماعی و اخلاقی ، ناخشنودی اندیشمندان از روزگار و اجتماع و ناتوانی حکام در شناخت سره از ناسره در عرصه ی ادب و فرهنگ ، به بالاترین درجه ی خود رسید . هجو و هزل این دوره ، همپای مدح و ثنا ، حالت مبالغه



به خود گرفت. شاعران با شاگردان، شاگردان با استادان و فروانروایان با بستگان خود، مجامع می کردند» (صدر، ۱۳۸۱: ۱۳).

هجو به عرصه‌ی مناسبات خانوادگی و در حق همسر، مادر و خواهر نیز با به کارگیری متن‌های زشت در بیان کشیده شد و کار به آنجا رسید که شاعران ضمن مدح نیز، از التزام به کلمات زشت خود داری نکردند.

«در این دوران‌ها، هجو در خدمت ارباب قدرت بود که جریان هجاگویی و سمت و سوی آن را به تناسب استقبال و عدم استقبال از این جریان، مشخص می ساخت. چندان که در زمان سامانیان هزل و هجو، مجالسی برای بروز نیافت» (حلی، ۱۳۷۷: ۳۵۴).

حکام سامانی امکانی را برای زشت گویی به شاعران نمی دادند. اگر چه آثار حدود پنجاه شاعر این روزگار از هزل و هجو خالی نیست و در مقایسه با دوران‌های دیگر، طنزی لطیف و به دور از زشت گویی است و کمتر به سمت هتاک و گستاخی می گراید.

به هر حال جریان غالب هجو سودا گرانه، شخصی و رکیک در لفظ و معنی در طی تاریخ ادبیات کشورمان به جز مقاطع کوتاهی، هم چنان تداوم می یابد و در قرن نهم هم پای گسترش ادب مشروطیت، هیچ گاه به جریانی مردمی بدل نمی شود. گرچه در قرن هفت و هشت، بزرگانی چون عبید، حافظ، مولوی و سعدی، طنز، هجو و هزل را به مقام والای بیان آلام بشری رساندند؛ اما پیش از مشروطیت عموماً طنز، هجو و هزل، هجوی شخصی بوده است.

هم چنین حسن جوادی در «تاریخ طنز در ادبیات فارسی»، ضمن اشاره به این نکته که هر چند طنز، در تاریخ بیهقی و دیگر آثار قدیم زبان فارسی به کار رفته است؛ ولی استعمال وسیعی به معنی فعلی کلمه [satire اروپایی] نداشته است. و اشارتی به این نکته که در نقد جدید عربی، کلماتی چون هجا، فکاهه و تهکم را به کار برده اند که اغلب احتیاج به توضیح بیشتری دارند.

«هجا در شعر جاهلی عرب، سلاحی بود در خدمت قبایل متخاصم. قبل از آغاز جنگ، شاعری قبیله‌ی دیگر را هجو می گفت و شاعری از آن قبیله، جواب می داد. بعضی از مردم از هجو شاعران بیش تر از کشت و کشتار می ترسیدند؛ زیرا گاهی یک هجو، چنان خفت و خواری برای قبیله به شمار می رفت که اثرش به آسانی محو نمی شد. اعراب جاهلی معتقد بودند که هجو را باید با خون شست و یا با هجوی دیگر. در یونان باستان و در میان شعرای قدیم ایرلند نیز به هجوگویی، حالتی جادوگرانه می دادند و معتقد بودند که شاعر هجو سرا می تواند کسی را که می خواهد به

آستانه نابودی بکشاند. اما به تدریج هجو جای خود را به طنز نویسی داد... الخ» (جوادی، ۱۳۸۴: ۴۸).

دعوی ما بر این که طنز خاستگاه و مبدأ ایرانی داشته، بر اساس قصه‌ی رشک بر انگیز هزارو یکشب- که همگان یا آن را خوانده ایم یا سائقه و صبغه‌ای از آن را به شکل های مختلف در ذهن داریم- است.

اصل ماجرا: پادشاهی که در زمان های پیش از تاریخ می زیست - یا چه بسا در تاریخ- به دلیل خیانت همسرش بر آن می شود که از همه‌ی زنان انتقام بگیرد. به گونه‌ای که هر صبح همسر دوشینه اش را به قتل می رساند. مملکت آشفته می گردد و دختر جوانی به نام شهرزاد خطر می کند تا مگر خود و دیگر زنان را رهایی بخشد. و بدین منظور برای شاه، قصه‌ی گوید اما حتی الامکان ترتیبی می دهد که قصه در سپیده دم پایان نگیرد تا کنجکاوی شاه فرونشیند. شهرزاد کامیاب می شود، زیرا در پایان هزارو یک شب، بدی و ظلمی را که شاه در حق هم جنسان وی روا داشته است جبران کرده، همسر قانونی شاه می شود و در این هنگام، هم مادر است و هم ملکه. در دوره‌ی عباسیان - ۷۵۰ میلادی - که بغداد مرکز خلافت است، ایرانیان سربرمی آورند و می خواهند که اسلام و سنن اعراب دیگر را پاس بدارند. آنان قرارها را محترم شمرده، چنانکه قسمت اعظمی از آثار بزرگ ادبی و علمی زمانه به دست ایرانیان، به زبان عربی نوشته می شود. اما ایرانیان آرزو دارند که اسلام، اقوام و فرهنگ های گوناگونی را که باید در سایه اش بزیند، گرد آورد.

پس از گذر از حواشی، مطالب مورد توجه‌ی ما که باید با حساسیت تعقیب شود از پس می آید: «در عصر بزرگ بغداد تا پایان قرن چهارم، گنجینه‌ی شگرف از آثاری که اقوام مختلف در پدید آوردنش سهیم بوده اند، فراهم می آید و اینان که در پرتو اسلام به زبان عربی سخن می گویند نه فقط ایرانیانند بلکه افسانه‌ها و باورها و حماسه‌های عربستان جاهلی و اسلامی و فرهنگ هند و یونان که توده‌ای از آثارشان به زبان عربی ترجمه می شود و تمدن‌های کهن دیگر که تاریخشان، مقدم بر تاریخ اسلام است و عبارتند از: عهد باستانی تورات و مصر دوران فراعنه یا عصر یونانی و رومی و بابل، مؤلفه‌های این گنجینه به شمار می روند» (میکل، ۱۳۸۷: ۴).

محمد بن اسحاق گوید: فارسیان اول، تصنیف کنندگان اولین افسانه بوده و آن را به صورت کتاب درآورده و در خزانه‌های خود نگاه داری و آن را از زبان حیوانات نقل و حکایت می نمودند و

پس از آن پادشاهان اشکانی که دومین سلسله ی پادشاهان ایرانند ، آن را به صورت اغراق آمیزی درآورده و نیز چیز ها بر آن افزوده و عرب ها آن را به زبان خود برگردانده و فصحا و بلغای عرب ، شاخ و برگ هایش را زده و با بهترین شکلی به رشته ی تحریر درآوردند و در همان زمینه و معانی کتاب هایی تألیف کردند.

اولین کتابی که در این معنا تألیف شده ، کتاب هزار افسانه است که سبب تألیفش این بود که یکی از پادشاهان اگر زنی می گرفت . . الخ .

در کتاب مقدمه بر هزار و یکشب نویسنده چنین می آورد : « پس از شعوبیه ، این نهضت خارق العاده ی رستاخیز و کتابت الزاماً به طور قطع ، شامل قصه و بسیاری آثار دیگر نیز می شده است » (میکل ، ۱۳۸۷ : ۲۰) .

دور از حیطه ی عقل و منطق نیست که جریان امور ، کلاً به گونه ی زیر بوده باشد : خریدار یافتن قصه های ایرانی اصل یا قصه هایی که ایران وسیله ی انتقال آن ها بوده است.

« از نیمه قرن دوم ، سعی و اهتمام در ثبت و ضبط قصه ها و هم زمان ثبت و ضبط آثار دیگر در دهه های بعد که شخصیت هارون الرشید در آنها نقش دارد ، فعالیتی که در سال های آغازین قرن سوم در تاریخ تأیید می شود ؛ بومی شدن قاطعانه ی گنجینه ی مشترک قصه ها در سراسر این قرن به دست اعراب و به امانت گرفتن داستان های نو مانند حکایت سند باد ، بومی کردن تمام عیار و موفقیت آمیز قصه ها تا قصه های مکتوبی که خواننده می شوند و مشهورند جزء ( ادب ) انسان با فرهنگ عصر ، گردند » (همان : ۲۱) .

حال وارد بخششی از این منبع می شویم که با قاطعیت و صراحت ، بنیادی ترین ویژگی این متون - متنهای پهلوی ایرانی - را همان عناصری می داند که موضوع پژوهش ماست: جدّ ، هزل ، هجو ، طنز ، عبرت آموزی و ...

« در باب قصه هایی که بر اسکندر فرو می خواندند ، گفته اند که پشت نقاب قصه ای خیالی و مفرح ، اخلاقی پنهان است که هدفش ، همانا تربیت نفسانی است یعنی عبرت آموزی از مثال ها برای « حفظ و صیانت نفس » و این پند و اندرز چنان جدی است که به موجب آنچه در بسیاری از قصه های هزار و یکشب آمده ، هارون الرشید ، چون پیشینیان دوردست

ایرانی اش، امر می کند که قصه را بنویسند، همان گونه که ایرانیان به گفته ی ابن ندیم می کرده اند و مهم تر از آن دستور می دهد که قصه ی مکتوب را در خزانه، « کتابخانه » یا « مرکز اسناد رسمی » نگاه دارند» (میکل، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۲).

در مورد پرداخت قصه نیز چنین می گویند: « ذوق و معیارفرهنگ عمومی اقتضا می کند که انواع مختلف را ترکیب کنند و جد را با هزل بیامیزند تا جد بهتر مرکوز ذهن شود» (همان: ۲۳). گفته اند که ترجمه آنها به عربی، الهام بخش فحصا و بلغا شد. به گفته ابن ندیم، زبان ساده و بی پیرایه و بیان مؤثر این قصص، موجب شد که گونه ای ادب داستانی که نشان اقتدار مؤلفان بزرگ عرب زبان را بر جبین دارد به اعراب راه یابد.

به هر حال در پرداخت قصه ها نویسندگان بزرگی به عرصه آمدند که از آن جمله ابن المقفع که به سبب ترجمه ی روایات فارسی (پهلوی) قصه های جانوران کتاب بید پای به عربی، کلیله و دمنه، یک تن از بنیان گذاران نثر کلاسیک عربی تلقی شده و می شود.

برای مثال به مسئله جدی بودن قصه، باز می گردیم. به رغم آنکه نیت اصلی و هدف، به روشنی اعلام و تأیید شده است و نیز غرض اصلی کسی که مبتکر این گونه ی ادب به شمار آمده است؛ یعنی، اسکندر به رغم سنت معلوم و مقبول به هم آمیختن جد و هزل، از نوشته مسعودی - صاحب مروج الذهب - چنین استنباط می کنیم که آنچه موجب ایراد و خرده گیری به قصه است، شاید این نباشد که قصه کاملاً جدی نیست بلکه این است که سهم این جدی بودن قصه نسبت به آنچه باقی می ماند؛ یعنی، خیال پردازی، بسیار اندک است.

پس نویسنده در تقسیم بندی سلسله مراتبی هزارو یکشب، مکرراً و به شکلی مبسوط تر به جنبه های طنز و لطیفه و حکایات آن می پردازد که ما در اینجا با حذف مراتب دیگر صرفاً همین قسمت را نقل می کنیم:

« به این سه گونه قصه، سه گونه قصه ی دیگر باید افزود که کوچک ترند، اگر فقط تعداد صفحات ملاک باشد، ولی از قصه های پیشین، جذابیت کمتری ندارند و عبارتند از: قصه های مشتمل بر طنز و مکر، نمایشگر محیط های اجتماعی صیادان و دکان داران و ملّاحان و پیشه وران و عیاران و طرّاران و متکدیان یا حاشیه نشینان دیگر، لطایف و حکایات کوچک، مربوط به شخصیتی نامدار چون خلیفه و وزیر و شاعر و عالم و موسیقی دان و سرانجام، داستانهای حکمت آموز که گاه از زبان جانوران سخن می گویند» (میکل، ۱۳۸۷: ۳۸).